

Study of the Passage of Time in Commercial Documents in Iranian and Egyptian Law

Asaad Atiyah Fenjan-Al-Kinani¹, Mohammad Javad Abdollahi^{2*}, Zeid Helal Mahdi Hanun³, Hassan Paktinat⁴

1. Department of Private Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Department of Law, Isfahan Branch (Khomeinshahr), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
3. Department of Law, Al-Amin University, Iraq.
4. Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 85-100

Article history:

Received: 05 Mar 2025

Edition: 28 Mar 2025

Accepted: 21 Apr 2025

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Statute of Limitations, Commercial Documents, Egyptian law, Iranian Law, Bill of Exchange, Check, Promissory Note.

Corresponding Author:

Mohammad Javad Abdollahi

Address:

Iran, Isfahan, Islamic Azad University, Isfahan (Khomeinshahr) Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0003-4402-2933

Tel:

09126368020

Email:

e_m_abdollahi@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: The passage of time in commercial documents is an important issue law in this regard. Accordingly, the purpose of this article is to examine the approach of Iranian and Egyptian law to the passage of time in commercial documents.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative, and receipts were used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: The findings showed that in Iranian civil law, the passage of time has been eliminated due to the theory of the Guardian Council rejecting the effect of the passage of time documents after 5 years has been accepted. Of course, this simply means that it is not possible to file a lawsuit in the form of commercial documents, but as a normal document, the possibility of filing a lawsuit still exists. In Egyptian law, 5 years is also accepted as the statute of limitations for lawsuits related to commercial documents.

Conclusion: The conclusion is that if a check is subject to commercial statute of limitations due to the deprivation of its commercial privilege, the provisions of Article 522 of the Civil Procedure Code govern the lawsuit for damages for late payment, not the law of issuing the check. Therefore, damages for late payment in this case are calculated from the date of demand for payment and the debtor's refusal to pay despite the ability to do so.

Cite this article as:

Fenjan-Al-Kinani, A-A; Abdollahi, M-J; Helal Mahdi Hanun, Z; Paktinat, H. *Study of the Passage of Time in Commercial Documents in Iranian and Egyptian Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

تحلیل مرور زمان در اسناد تجاری حقوق ایران و مصر

اسعد عطیه فنجان الکنانی^۱، محمد جواد عبداللهی^{۲*}، هلال مهدی هنون^۳، حسن پاک طینت^۴

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد اصفهان (خمین شهر)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشگاه الامین، عراق.

۴. گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مرور زمان در اسناد تجاری از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است زیرا در حقوق ایران، ابهاماتی در این خصوص وجود دارد. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر بررسی رویکرد حقوق ایران و مصر نسبت به مرور زمان در اسناد تجاری است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد در حقوق مدنی ایران به دلیل نظریه شورای نگهبان مبنی بر رد تأثیر مرور زمان در امور حقوقی، مرور زمان حذف شده است؛ اما در قانون تجارت تأثیر مرور زمان در بی‌اعتباری طرح دعاوی در خصوص اسناد تجاری بعد از ۵ سال را پذیرفته است. البته این امر صرفاً به این معنا است که در قالب اسناد تجاری امکان طرح دعوا وجود ندارد. ولی به‌عنوان سند عادی امکان طرح دعوا همچنان وجود دارد. در حقوق مصر نیز مدت ۵ سال به‌عنوان مدت مرور زمان در طرح دعاوی مربوط به اسناد تجاری پذیرفته شده است.

نتیجه: نتیجه اینکه اگر چک، مشمول مرور زمان تجاری شود با توجه به سلب امتیاز تجاری آن مقررات ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بر دعوا مطالبه خسارت تأخیر تأدیه حاکم است نه قانون صدور چک، بنابراین خسارت تأخیر تأدیه در این مورد، از روز مطالبه وجه و امتناع مدیون از پرداخت باوجود تمکن، محاسبه می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۵-۱۰۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

مرور زمان، اسناد تجاری، حقوق مصر، حقوق ایران، برات، چک، سفته.

نویسنده مسئول:

محمد جواد عبداللهی

آدرس پستی:

ایران، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خمین شهر)، گروه حقوق.

تلفن:

09126368020

کد ارکید:

0000-0003-4402-2933

پست الکترونیک:

e_m_abdollahi@yahoo.com

۱. مقدمه

در قانون تجارت یکی از اصول مهمی که موردتوجه قرار گرفته است اصل سرعت است. بدین معنی که قانون‌گذار برای زودتر فیصله دادن دعاوی، مهلت‌های محدودتری را نسبت به دعاوی مدنی در نظر گرفته است. اما اسناد مورد استفاده در این دعاوی، برای بهره‌مندی از این مزایا باید از شرایط این قانون تابعیت کند که در غیر این صورت تابع قانون عام خواهد بود. در واقع اگر حقی بر گردن کسی قرار بگیرد با مرور زمان این حق از بین نمی‌رود؛ اما اگر کسی بخواهد از امتیازات قانون تجارت استفاده کند باید از مواعید این قانون تابعیت کند. اولین نکته که باید در مورد اسناد تجاری موردتوجه قرار گیرد این است که کلیه اسناد باید طبق قانون تجارت در مهلت‌های مشخص‌شده در این قانون وخواست گردد. در قانون تجارت، برات همیشه جزو اسناد تجاری محسوب می‌شود؛ اما سفته و چک وقتی اسناد تجاری محسوب می‌شوند که یا از طرف تاجر و یا برای امور تجاری صادر گردند. پس اگر این شرایط را نداشته باشند از قانون عام پیروی می‌کنند. یکی از موضوعات مهم در خصوص اسناد تجاری بحث مرور زمان است. مرور زمان، اصولاً مسئله‌ای حقوقی است اما در مرحله رسیدگی به دعوا در دادگاه و صدور حکم مطرح می‌شود. در نتیجه اگر ماهیت وجودی آن را موردبررسی قرار دهیم، از مباحث مهم آیین دادرسی است و به دلیل آثار فراوان و حیاتی آن در روابط حقوقی افراد، از اهمیت به سزایی در مباحث حقوقی و قضایی برخوردار است. زیرا فردی که ادعایی نسبت به مالی دارد، اگر در حقیقت نیز حقی داشته باشد، هرگاه در مدت مقررشده برای مرور زمان، آن را استیفا نکند، محاکم قضایی از استماع

و رسیدگی به دعاوی او امتناع خواهند کرد. شورای نگهبان با استناد به اطلاق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اکثریت آرای فقهای شورا مرور زمان را در حقوق مدنی به‌طورکلی مخالف موازین شرعی دانسته و آن را نپذیرفته است. این شورا در سال ۶۱ اعلام کرد: «مواد ۷۳۱ ق.آ.د.م به بعد تا ۷۶۹، در مورد مرور زمان در جلسه شورای نگهبان مطرح و موردبررسی قرار گرفت و مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشت مدتی، دعوی شنیده نمی‌شود، خلاف شرع است». این موضوع در روزنامه رسمی شماره ۱۱۵۰۲ در سوم شهریور ماه سال ۱۳۶۳ آمده است. بنابراین قوانین مربوط به مرور زمان در نظام جمهوری اسلامی ایران قابل‌قبول نیست و بر این اساس ماده‌ی ۱۰۳۹ ق.م که پیرامون مرور زمان بوده، خلاف شرع، شرع تشخیص داده شده و از قانون مدنی حذف گردید. با این حساب مرور زمان در اسباب سقوط تعهدات در قانون مدنی ایران جایی به خود اختصاص نداده اما در قانون مدنی مصر یکی از اسباب سقوط دیون و تعهدات مرور زمان برشمرده است. با توجه به اینکه، علت به وجود آمدن قاعده مرور زمان در عالم حقوق، رشد فزاینده جمعیت و حجم انبوه دعاوی در مراجع قضایی و ماهیت متنوع و پیچیده مسائل حقوقی و در نتیجه روند رسیدگی به آن‌هاست. و این عوامل متأثر از روابط اجتماعی و فن‌آوری جدید است که نظم جدیدی را در ساختار نظام قضایی می‌طلبد. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که رویکرد حقوق ایران و مصر، نسبت به مرور زمان در اسناد تجاری در حقوق ایران و مصر چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه: «در حقوق ایران، مرور زمان در خصوص

اسناد تجاری پذیرفته شده البته در صورت گذشت ۵ سال، امان طرح دعوا در قالب سند عادی امکان پذیر است. در حقوق مصر نیز مدت ۵ سال به عنوان مدت مرور زمان در طرح دعاوی مربوط به اسناد تجاری پذیرفته شده است». به منظور بررسی سؤال مورد اشاره مرور زمان در اسناد تجاری در ابعاد مختلفی چون مدت، کیفیت و اثر مرور زمان در حقوق دو کشور ایران و مصر بررسی می شود.

۲. مواد و روش ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته ها

یافته ها نشان داد در حقوق مدنی ایران به دلیل نظریه شورای نگهبان مبنی بر رد تأثیر مرور زمان در امور حقوقی، مرور زمان حذف شده است اما در قانون تجارت تأثیر مرور زمان در بی اعتباری طرح دعاوی در خصوص اسناد تجاری بعد از ۵ سال را پذیرفته است. البته این امر صرفاً به این معنا است که در قالب اسناد تجاری امکان طرح دعوا وجود ندارد ولی به عنوان سند عادی امکان طرح دعوا همچنان وجود دارد. در حقوق مصر نیز مدت ۵ سال به عنوان مدت مرور زمان در طرح دعاوی مربوط به اسناد تجاری پذیرفته شده است.

۵. بحث

۵-۱. جایگاه مرور زمان اسناد تجاری در

حقوق ایران و مصر

دو ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ در قانون تجارت به مسئله مرور زمان پرداخته است. که بر اساس ماده ۳۱۸:

«دعاوی راجع به برات و سفته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر این که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است». در خصوص مرور زمان مندرج در ماده ۳۱۸ موارد ذیل قابل ذکر است که: ۱. مرور زمان مندرج در ماده ۳۱۸ در خصوص برات به طور مطلق و در مورد سفته و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده است حاکم است. بنابراین اگر سفته و چک از طرف غیر تاجر یا برای امور غیر تجارتی صادر شده باشد مشمول مرور زمان مندرج در ماده ۳۱۸ نیست. ۲. در دعاوی مندرج در ماده ۳۱۸، خواهان دعوا اصولاً دارنده برات و سفته و چک به معنای اعم است یعنی هم شامل آخرین دارنده که واخواست و گواهی عدم پرداخت توسط او به عمل آمده است یا اشخاصی که بعداً با پرداخت وجه سند به دارنده آن، خود دارنده شده اند (اسکینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۸۹). مثل ظهرنویسان، برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده و ضامنین یا شخص ثالث پرداخت کننده و شخص ثالث قبول کننده. بنابراین هر شخصی که دارنده سند بوده و سند را در تصرف دارد یا شخصی که وجه سند را به دارنده پرداخت نموده و سند در اختیار وی است و از سوی مدیون واقعی سند نیست خواهان دعوا می تواند باشد. ۳. با توجه به اینکه خواهان دعوا در بند ۲ مشخص گردیده خواننده دعوی مدیون واقعی سند است چون مهلت های مراجعه به مسئولین تضامنی در مواد ۲۸۶ الی ۲۸۸ بیان شده است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۶۵). لذا

خواننده ممکن است در برات، برات‌گیر قبول کننده، برات دهنده‌ای که وجه برات را به محال‌علیه رسانیده، حتی شخص ثالث قبول کننده و ضامنین آن‌ها باشد. علت اینکه شخص ثالث قبول‌کننده هم می‌تواند خواهان باشد هم خواننده به این علت است که ایشان فقط در مقابل دارنده به علت قبولی برات، مدیون واقعی است ولی از آنجاکه پس از پرداخت خود دارنده می‌شود ولی می‌تواند به شخصی که از طرف او قبول نموده و ایادی ماقبل او مراجعه نماید، می‌تواند خواهان دعوا نیز شود. ۳. مهلت مرور زمان در ماده ۳۱۸ پنج سال است و تاریخ شروع این مهلت اگر اعتراض به عمل آمده باشد از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود (۱۰ روز پس از سررسید).

همچنین برابر ماده ۳۱۹ نیز: «اگر وجه برات یا فته‌طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارنده برات یافته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله، وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده‌ی بلاجهت کرده است مطالبه نماید (مدت مرور زمان در مورد اموال منقول ۱۰ سال می‌باشد)». البته در یک حالت مبدأ شروع مرور زمان تاریخ‌های فوق نخواهد بود و آن اینکه در ظرف این مدت (۵ سال) رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مدت مرور زمان از تاریخ اقرار محاسبه می‌شود. در خصوص مرور زمان مندرج در ماده ۳۱۹ موارد ذیل قابل ذکر است. ۱. خواهان دعوا در ماده فوق، دارنده برات یا سفته یا چک است. ۲. اسنادی که مشمول ماده ۳۱۹ است عبارت‌اند از: الف) برات اعم از اینکه از طرف تجار برای امور تجاری صادر شده یا نشده

باشد. ب) چک یا سفته اعم از اینکه از طرف تجار برای امور تجاری صادر شده یا نشده باشد. ج) برات و سفته و چکی که یکی از شرایط اساسی مقرر در قانون تجارت را دارا نباشد. ۳. خواننده دعوا در ماده ۳۱۹ قانون تجارت کسی است که به ضرر دارنده از وجه سند استفاده بلاجهت نموده است. درواقع قانون‌گذار از عبارت برات‌گیر قبول کننده سند، صادرکننده سفته و چک نام نبرده است و عبارت مطلق را به کار برده (استفاده بلاجهت) که این شخص اصولاً می‌تواند برات‌گیر قبول کننده‌ای باشد که براتش دارای محل است یا برات دهنده برات سازه‌ی، صادرکننده سفته و چک باشد ولی این مانع از این نمی‌باشد که اشخاص دیگر مانند ظهرنویسان و ضامنین و غیره از آن استفاده بلاجهت کنند. ۴. مهلت مرور زمان در ماده ۳۱۹ همان مرور زمان اموال منقوله است و مرور زمان طبق ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی سابق ده سال است (حمید، ۱۳۹۹، ۳۲).

در ظاهر دو ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت تعارض وجود دارد که بدین جهت رأی وحدت رویه‌ای توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور این مشکل را حل نمود، طبق این رأی وحدت رویه به شماره ۶۲۳ در تاریخ ۱۳۴۵/۰۴/۲۰ مرور زمان دعاوی راجع به برات و چک و فته طلب که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده است طبق ماده ۳۱۸ قانون تجارت پنج سال از تاریخ اعتراض‌نامه و در صورت عدم اعتراض از تاریخ انقضای این مدت دعاوی مذکور در محاکم مسموع نخواهد بود (صقری، ۱۳۹۴، ۷۸). در حقوق مصر نیز، قاعده مرور در قانون مدنی این کشور پذیرفته شده است. ماده ۳۷۴ قانون مدنی مصر و مواد بعدی بر قاعده سقوط تعهدات به موجب مرور زمان تصریح کرده‌اند برابر این ماده: «به غیر از

مواردی که راجع به آن‌ها نص خاصی در قانون وجود دارد و به غیر از استثنای بعدی تعهدات پس از گذشت پانزده سال مشمول مرور زمان می‌شوند».

استثنای بسیاری بر قاعده مذکور در ماده ۳۷۴ قانون مدنی وارد شده است؛ از جمله این‌که تعهدات ادواری که تجدید می‌شوند همچون اجاره ساختمان و زمین‌های کشاورزی و بهره پول و نیز تعهداتی که در اسناد تجاری همچون برات و سفته وجود دارد، باگذشت پنج سال مشمول مرور زمان می‌شوند. همچنین تعهد به پرداخت دستمزد پزشکان، داروخانه‌ها، وکلای دادگستری، مهندسان، کارشناسان، مدیران تصفیه، دلال‌ها، استادان و معلمان باگذشت پنج سال مشمول مرور زمان می‌شوند. تعهداتی که در برابر حقوق بازرگانان، صنعتگران و صاحبان هتل‌ها و رستوران‌ها، به خاطر آنچه به مشتریان ارائه کرده‌اند به وجود می‌آیند و همچنین تعهدات مربوط به دستمزد کارگران و مستخدمان باگذشت یک سال مشمول مرور زمان می‌شوند مگر این‌که برای یکی از حقوق ذکر شده سندی نوشته شده باشد که در آن صورت حق مذکور فقط پس از گذشت پانزده سال مشمول مرور زمان می‌شود (بند ۲ ماده ۳۷۹ قانون مدنی). درباره مرور زمان سالانه یعنی مرور زمانی که باگذشت یک سال تحقق می‌یابد توجه به فقره دوم از ماده ۳۷۸ قانون مدنی مصر لازم است که مقرر می‌دارد کسی که مدعی است حق باگذشت یک سال مشمول مرور زمان شده باید سوگند یاد کند که درواقع دین را پرداخته است (عالیه، ۱۹۹۶، ۲۱۱). در این مورد قاضی بدون درخواست ذی‌نفع مطالبه سوگند می‌کند و ورثه و اوصیا مدیون اگر تعدادشان محدود، باشد، سوگند یاد می‌کنند که

از وجود دین اطلاعی ندارند یا از پرداخت آن مطلع‌اند در تبیین این موضوع باید گفت که مبنای مرور زمان یک‌ساله قرینه پرداخت دین است و قانون‌گذار خواسته است این قرینه را با ادای سوگند تکمیلی توسط مدیون یا سوگند ناشی از علم یا اطمینان از سوی ورثه استوار سازد. قانون مدنی چگونگی احتساب مدت‌های مرور زمان و آنچه بر آن‌ها عارض می‌شود همچون انقطاع و توقف را تعیین کرده است. برابر ماده ۳۸۰ مدت مرور زمان بر اساس روزها محاسبه می‌شود، نه ساعت‌ها و روز نخست به حساب نمی‌آید و مدت مرور زمان باگذشت آخرین روز آن کامل می‌شود. علی‌القاعده جریان مرور زمان از روزی که دین در آن روز می‌باید پرداخت شود، شروع می‌شود (بند اول ماده ۳۸۱ قانون مدنی). بر اساس بند دوم از ماده ۳۸۱ قانون مدنی مصر: «... مرور زمان نسبت به دینی که معلق به شرطی تعلیقی است جز پس از تحقق یافتن شرط، و نسبت به ضمان استحقاقی مگر از زمانی که استحقاق ثابت شود و نسبت به دین مدت‌دار مگر از زمان انقضای مدت جریان نمی‌یابد». برابر بند سوم از همین ماده: «اگر تعیین زمان پرداخت به اراده دائن بستگی داشته باشد جریان مرور زمان از وقتی آغاز می‌شود که دائن توانایی اعلام اراده‌اش را داشته باشد».

۵-۲. سند عادی تلقی شدن اسناد

مشمول مرور زمان

یکی از مباحث مهم در خصوص مرور زمان ۵ ساله اسناد تجاری این است که باتوجه به ماده ۳۱۸ قانون تجارت و شمول مرور زمان درخصوص اسناد مذکور آیا سند تجاری به‌عنوان سند عادی تلقی می‌گردد و یا اینکه با اعمال مرور زمان دارنده سند در هیچ شرایطی حق مراجعه به

مدیون یا حق طرح دعوا در دادگاه را نخواهد داشت و آیا منظور از اعتراض‌نامه همان گواهی عدم پرداخت می‌باشد یا خیر؟ مطابق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در این خصوص: «شمول مرور زمان موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نسبت به اسناد مذکور در ماده موصوف، مانع مطالبه وجه آن‌ها براساس قواعد عام حاکم بر مطالبات اشخاص نمی‌باشد. به عبارت دیگر چنانچه بر اثر شمول مرور زمان اسناد تجاری نتوان وجه اسناد تجاری را از مسئولین پرداخت آن‌ها بر اساس مقررات خاص تجاری مطالبه نمود، این امر مانع از مطالبه وجه اسناد مزبور با استفاده از موازین عام حاکم بر مطالبات اشخاص نظیر قانون مدنی نمی‌باشد و به هر صورت ویژگی تجاری اسناد موصوف آن‌ها را از خصائص عام حاکم بر اسناد مدنی محروم نمی‌نماید و دارنده چنین اسنادی حق مراجعه به مراجع قضائی جهت مطالبه وجه آن‌ها را دارا می‌باشد. ضمناً با توجه به ماده یاد شده که در دعاوی راجع به سفته، برات و چک کلمه اعتراض‌نامه را به‌کاربرده است و با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و مستنبط از مقررات راجع به اسناد تجاری موضوع قانون تجارت غالباً اعتراض‌نامه و وخواست با همدیگر مترادف می‌باشند» (نظریه شماره ۷/۹۲/۲۲۳۱ - ۱۳۹۲/۱۱/۲۱).

همچنین براساس نظر اتفاقی «مرور زمان مندرج در ماده ۳۱۸ قانون تجارت، مشمول نظریه مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۶۱ شورای نگهبان نمی‌گردد لذا چنانچه اوراق تجاری برای امور تجاری یا توسط تاجر صادر شده باشد باید در ظرف پنج سال اقامه دعوی گردد والا از جهت اینکه سند یک سند

تجاری است دعوی، قابلیت استماع را ندارد اما می‌توان چنین سندی را یک سند عادی تلقی و وفق ماده ۳۱۹ قانون تجارت آن را مطالبه نمود. لذا براساس آنچه مذکور افتاد شمول مرور زمان ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ نیست به اسناد مذکور در ماده موصوف مانع مطالبه وجه آن‌ها بر اساس قواعد عام حاکم بر مطالبات اشخاص نمی‌باشد.

یکی از سؤالات مطرح در این خصوص این است که وفق رأی وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۲۰/۴/۱۳۴۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و نظریه مشورتی شماره ۲۲۳۱/۹۲/۷ مورخ ۲۱/۱۱/۱۳۹۲ آن اداره کل، اسناد تجاری که مشمول مرور زمان پنج‌ساله طرح دعوا شود، در اجرای مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ وصف تجاری خود را از دست داده و به‌عنوان سند عادی تلقی می‌شوند و دارنده سند در اجرای قواعد عمومی؛ از جمله مقررات قانون مدنی می‌تواند دعوای خود را در محاکم مطرح و حق خود را مطالبه کند؛ اما با توجه به تبصره الحاقی در سال ۱۳۷۶ به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی و قانون استفساریه در خصوص این تبصره مصوب ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام که تاریخ صدور چک را به‌عنوان تاریخ مطالبه خسارت تأخیر تأدیه اعلام داشته است، اولاً، آیا چک بعد سپری شدن مهلت قانونی پنج‌ساله برای طرح دعوا همچنان سند تجاری است و دارنده آن از حقوقی و مزایای سند تجاری برخوردار است؟ ثانیاً، با توجه به تصریح موجود در تبصره الحاقی یاد شده، زمان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه برحسب منفی یا مثبت بودن پاسخ، از چه تاریخی محاسبه می‌شود؟ (پوررحیمی صیقلانی، ۱۳۹۹: ۴)

مقررات آمره مربوط به مرور زمان مذکور در ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیست» (نظریه: ۱۴۹/۱۴۰۳/۷ - ۱۴۰۳ - ۸۸ - ۱۴۹) بر اساس آنچه که گفته شد، شد برای اینکه دارنده سند تجاری از مزایای قانون تجارت بهره‌مند گردد باید تکالیفی که قانون‌گذار در مورد رعایت مواعد قانونی ذکر نموده رعایت گردد با این وجود اگر کسی این مواعد را رعایت نکند باز هم به دلیل اینکه اصل حق از بین نمی‌رود از طریق قوانین عام قابل‌پیگیری خواهد بود. و درواقع با تبدیل سند تجاری به سند عادی دارنده آن اسناد می‌تواند از طریق مراجع قضایی اقدام نمایند.

۵-۳. کیفیت و اثر مرور زمان پنج‌ساله

مطابق ماده ۳۷۴ قانون مدنی مصر، مرور زمان به‌صورت کلی مشمول دعاوی بعد از ۱۵ سال است اما این اصل، دارای استثنائاتی نیز هست که دعاوی اسناد تجاری از این جمله است و مدت‌زمان در این دعاوی جهت اینکه مشمول مرور زمان شود، ۵ سال است (شفیق، ۱۹۵۴، ۶۵). ماده ۳۱۹ قانون تجارت نیز مقرر داشته که دعاوی مربوط به برات، سفته و چک به‌موجب ماده ۳۱۷ مشمول مرور زمان پنج‌ساله می‌گردد. این امر موجب نمی‌شود که کسی بتواند از قاعده مربوط به منع استفاده بلاجهت قرار نموده قبل از حصول مرور زمان اموال منقول، به ضرر دارنده برات از وجه برات استفاده نماید. «برای تشخیص اشخاصی که از اجرای ماده ۳۱۸ قانون تجارت استفاده بلاجهت می‌نمایند، باید توضیح داده شود که این اشخاص بدون تردید ظهرونی‌های ورقه تجاری نیستند. زیرا علاوه بر اینکه دعوی دارنده بر آن‌ها غالباً به علت گذشتن سه ماه مهلت مقرر

بر اساس نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «در فرض سؤال که دارنده چک پس از پنج سال از تاریخ مندرج در چک به بانک مراجعه و گواهی عدم پرداخت اخذ و طرح دعوا کرده است، از آنجا که وفق ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «مرور زمان دعاوی راجع به برات و چک و فته طلب که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده است طبق ماده ۳۱۸ قانون تجارت پنج سال از تاریخ اعتراض و در صورت عدم اعتراض از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم است و پس از انقضاء این مدت دعاوی مذکور در محاکم مسموع نخواهد بود»؛ دعاوی مذکور از شمول مقررات اسناد تجاری خارج بوده و دارنده به‌حکم ماده ۳۱۹ این قانون می‌تواند به طرفیت شخصی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است و یا با وی رابطه حقوقی داشته است، بر اساس مقررات قانون مدنی اقدام کند؛ بنابراین، از شمول رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور خارج است و خسارت تأخیر تأدیه وفق مقررات عمومی؛ از جمله ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ محاسبه می‌شود (عسکری و زرگان، ۱۴۰۱، ۸۹). همچنین حکم مقرر در تبصره الحاقی ۱۳۷۶ به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، با لحاظ رأی وحدت رویه اخیرالذکر، صرفاً ناظر بر حق دارنده چک بر مطالبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ سررسید چک است و چنین حکمی نافی

آن می‌باشد. در مورد سفته و چک نیز همان قاعده فوق مجری است و کسی که به ضرر دارنده برگ استفاده بلاجهت نموده موظف است تا حصول مرور زمان منقوله آن را مسترد دارد.

۴-۵. قطع مرور زمان

در حقوق ایران، ماده ۷۶۱ قانون آئین دادرسی مدنی موارد انقطاع مرور زمان را به‌طور کلی معین می‌کند و ماده ۷۶۴ همان قانون اثر این قطع را در مورد مرور زمان‌های بیست‌ساله و ده ساله و سه ساله و یک‌ساله بیان می‌نماید و نظارتی به مرور زمان‌های پنج‌ساله ندارد. در حقوق مصر، جریان مرور زمان پس از آن که شروع شد گاه دستخوش توقف یا انقطاع می‌گردد. بنابراین زمانی که ما در وضعیت توقف مرور زمان هستیم و آن مواردی است که مطالبه حق بر طلبکار به دلیل وجود مانعی متعذر است مرور زمان جریان پیدا نمی‌کند. مانع مذکور گاه مادی است و گاه ممکن است معنوی باشد مانع معنوی به دلیل وجود نوعی رابطه که برانگیزنده احترام اعتماد و ترس است ایجاد می‌شود همچون وضعیت میان زوجها یا ارباب و مستخدم همچنین مرور زمان میان اصیل و نماینده جریان نمی‌یابد. بنابراین جریان مرور زمان میان موکل و وکیل یا میان اشخاص حقوقی و نماینده قانونی آن‌ها متوقف می‌شود. مطابق بند دوم از ماده ۳۸۲ قانون مدنی مصر: «مرور زمانی که مدت آن بیش از ۵ سال است در حق کسی که فاقد اهلیت است یا در حق غایب یا در حق شخص محکوم به مجازاتی کیفری - اگر فاقد نماینده قانونی باشند جریان نمی‌یابد». هنگامی که وجود مانع منتفی می‌شود جریان مرور زمان استمرار می‌یابد و مدتی را که قبل از وجود مانع جریان داشته است، کامل می‌کند. برخلاف توقف مرور زمان، وضعیت انقطاع مرور زمان در

در ماده ۲۸۶ و قبل از حصول مرور زمان ساقط شده است. ظهرونی‌ها همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد به‌منزله، ضامن پرداخت می‌باشند و استفاده بالا جهتی نمی‌توانند از آن بنمایند» (دالوند، ۱۳۸۶، ۴۷).

«همچنین دعاوی دارنده برات بر محال‌علیهی که برات را قبول نکرده نیز نباید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در مورد برات فقط سه عامل باقی می‌نماید: ۱. دارنده برات و جانشین او، ۲. محال‌علیهی که برات را قبول کرده، ۳. صادرکننده برات. مسئولیت تضامنی محال‌علیه و صادرکننده (و در بعضی موارد ظهرونی‌ها) در مقابل دارنده برات، تا قبل از حصول مرور زمان پنج‌ساله موجود و پس از آن ساقط می‌شود و به‌موجب ماده ۳۱۸ دارنده برات نمی‌تواند برای وصول طلب خود را به صادرکننده و محال‌علیه رجوع نماید. حال در این دعاوی اسقاط شده، اگر برات دهنده درواقع از قبول کننده طلبکار بوده و محل را به او رسانیده باشد، و او هم به همین علت برات را قبول نموده ولی از پرداخت آن امتناع کرده باشد، و مرور زمان پنج‌ساله دعاوی مربوط به برات را ساقط کند، شخص محال‌علیه با قبول برات دین سابق خود را به صادرکننده پرداخته و در اثر انتقال طلب در مقابل وی بری شده است، و از طرفی به دارنده برات نیز چیزی در مقابل آن نپرداخته بنابراین به ضرر دارنده استفاده بلاجهتی نموده که طبق ماده ۳۰۱ قانون مدنی باید آن را بپردازد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۸۷). بالعکس اگر صادرکننده برات محل را فراهم ننموده باشد، و دعاوی دارنده به‌موجب ماده ۳۱۸ ساقط شود صادرکننده بدون جهت از اعتباری استفاده کرده و به ضرر دارنده استفاده بلاجهتی کرده است که ملزم به پرداخت

مواردی رخ می‌دهد که صاحب حق در مراجع قضایی به مطالبه آن اقدام کند یا شخص مدیون به وجود حق اقرار می‌کند. ماده ۳۸۳ و ۳۸۴ قانون مدنی مصر در این مورد تصریح کرده‌اند. برابر ماده ۳۸۳ قانون مدنی: «با مطالبه قضایی، مرور زمان منقطع می‌شود، حتی اگر دعوا نزد دادگاهی که صلاحیت رسیدگی ندارد مطرح شود و نیز با اخطاریه و با توقیف و با مطالبه که دائن پیشاپیش به خاطر قبول حقش در ورشکستگی با تقسیم اموال بدان مبادرت می‌کند و همچنین با هر عملی که دائن برای استناد به حقش در اثنای یکی از دعاوی بدان اقدام می‌کند» (یوسفی، ۲۰۱۴: ۸۹).

برابر ماده ۳۸۴ قانون مدنی حقوق مصر: «(۱) زمانی که مدیون به حق دائن به‌گونه‌ای صریح با ضمنی اقرار کند، مرور زمان منقطع می‌شود؛ (۲) اگر مدیون مالی را برای پرداخت دین به‌عنوان وثیقه در یک رهن تصرف نزد دائن قرار دهد، این امر در حکم اقرار ضمنی است». باید دانست که در وضعیت انقطاع مرور زمان، مدت مرور زمان سابق بر وضعیت انقطاع، از بین می‌رود و مرور زمان جدیدی شروع می‌شود که «نقطه آغاز آن، زمان انتهای اثری است که بر سبب انقطاع مترتب بوده است» (بند اول ماده ۱۸۵ قانون مدنی). اصل این است که مدت مرور زمان جدید همان مدت مرور زمانی است که منقطع گردیده، خواه پانزده سال باشد یا پنج یا یک سال، اما بند دوم از ماده ۳۸۵ قانون مدنی استثنائاتی را بر شمرده، مقرر می‌دارد: «مضافاً این‌که هرگاه در مورد دین، حکمی صادر شود و حکم اعتبار امر مختومه را پیدا کند و هرگاه دین تابع مرور زمان یک‌ساله باشد و با اقرار مدیون جریان مرور زمان منقطع شود، مدت مرور زمان جدید، پانزده‌ساله خواهد

بود، مگر این‌که دین محکوم به متضمن تعهدات ادواری که تجدید می‌شوند باشد که فقط بعد از صدور حکم، پرداخت آن‌ها لازم است. هرگاه مدت مرور زمان کامل گردید از نظر قانون‌گذار سقوط تعهد را به دنبال دارد. هنگامی که تعهد ساقط شد تبعات آن و بهره‌هایش نیز ساقط می‌شوند، حتی اگر مدت مرور زمان مربوط به این تبعات نیز کامل نشده باشد. بند دوم از ماده ۳۸۶ قانون مدنی مصر مقرر می‌دارد بر مرور زمان سقوط مترتب است. باوجود این تعهد طبیعی بر ذمه مدیون باقی می‌ماند. بند دوم از ماده ۱۹۹ قانون مدنی در مورد تعهد طبیعی منطبق با همین اصل است که مقرر می‌دارد: «... در اجرای تعهد طبیعی الزامی وجود ندارد». وضعیتی که در بند اول ماده ۳۸۶ بدان تصریح گردیده یکی از مواردی است که در آن به صراحت به تعهد طبیعی اشاره شده است. برابر ماده ۲۰۱ قانون مدنی مصر «آنچه مدیون به اختیار و از روی به منظور پرداخت تعهدی طبیعی تأدیه کرده است، قابل استرداد نیست».

مطابق ماده ۳۱۸ قانون مدنی ایران، «دو مورد زیر برای قطع مرور زمان پیش‌بینی شده است: ۱. اقامه دعوی در دادگاه ۲. اقرار به دین. در این دو مورد برخلاف حکم کلی ماده ۷۶۴ قانون آئین دادرسی، مهلت مرور زمان مجدداً شروع خواهد شد. قبل از تشریح موضوعاتی که قاطع مرور زمان است به این نکته باید توجه نمود که اعتراض در صورتی در شروع مرور زمان مؤثر واقع می‌شود که ظرف مهلت قانونی به‌عمل آمده باشد، زیرا اعتراض در حقوق تجارت تنها به‌منزله یک اخطار قانونی است» (عرفانی، ۱۳۸۸، ۸۲)، و اخطاریه یا اظهارنامه، که برخلاف قانون صادر شده باشد، نمی‌تواند منشأ اثری واقع گردد. در مورد اثر

مهلت‌های تجاری که از نوع اسقاط حق است، حدود تأثیرش این است که کسی که حقش ساقط شده، رابطه‌اش با موضوع حق قطع می‌شود؛ بنابراین در صورتی که موضوع حق به طریقی به دست وی برسد چه آن - که خود آن را تصاحب کند، یا اینکه از طرف مقابل اشتبهاً به وی تسلیم شود - ملزم است که آن را به ذی‌حق تسلیم کند و طرف مقابل وی نیز برای الزام وی به استرداد آن، حق طرح دعوی خواهد داشت؛ زیرا در مواعید و مهلت‌های قانونی با گذشت مهلت مقرر و عدم انجام عمل تعیین‌شده اصل حق ساقط می‌شود.

۵-۴-۱. اقامه دعوی در دادگاه

به‌موجب ماده ۷۶۴ قانون آئین دادرسی، «مهلت مرور زمان مجدداً شروع خواهد شد. قبل از تشریح موضوعاتی که قاطع مرور زمان است، به این نکته باید توجه نمود که اعتراض در صورتی در شروع مرور زمان مؤثر واقع می‌شود که ظرف مهلت قانونی به‌عمل‌آمده باشد، زیرا پروتست در حقوق تجارت تنها به‌منزله، یک اخطار قانونی است و اخطاریه یا اظهارنامه، که برخلاف قانون صادر شده باشد، نمی‌تواند منشأ اثری واقع گردد». به‌موجب ماده ۳۱۸ قانون تجارت «اقامه دعوی در دادگاه مرور زمان را قطع می‌نماید و مهلت مرور زمان مجدداً از تاریخ تقدیم دادخواست شروع خواهد شد». ولی بر طبق ماده ۷۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی، «در موارد زیر اقامه دعوی تأثیری در جریان مرور زمان ندارد: ۱- در صورتی که دادخواست به‌واسطه نداشتن شرایط قانونی یا به جهت دیگری باطل یا مردود شود. بدیهی است تقدیم دادخواستی که فاقد شرایط قانونی باشد، از نظر قانون اقامه دعوی محسوب نمی‌گردد، و صدور قرار رد یا ابطال دادخواست نیز جریان دعا از ابتدا کان لم یکن می‌سازد و مانند آن است که

از ابتداء دعوائی اقامه نشده باشد. ۲. در صورتی که دعوی خود را استرداد کند. ۳. در صورتی که دعوی مدعی به جهتی از جهات قانونی مردود و یا ساقط شود. در صورتی که دادخواست به دادگاه غیر صالح داده شده و تا سه ماه پس از ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت، در دادگاه صلاحیت‌دار دعوی اقامه نشود». نکته قابل‌توجه این است که اگر دارنده برانی قبل از اتمام مدت پنج سال در دادگاه غیر صالح دعوی اقامه نمود و پس از ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت، ظرف سه ماه در دادگاه صلاحیت‌دار اقامه دعوی کرد و در خلال سه ماه مزبور، دعوی مشمول مرور زمان پنج‌ساله گردید، باید دید آیا دادخواست سابق بر طبق شق ۴ ماده ۷۶۲ مرور زمان را قطع و مهلت جدید از تاریخ مزبور مجدداً شروع می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۶۲). «طرح دو مسئله زیر نیز برای تکمیل مطلب و روشن شدن اثرات اقامه دعوی نیز ضروری می‌رسد: اول) اگر قبل از حصول مرور زمان، در دادگاه صالحه دعوی اقامه و منجر به صدور حکم حضوری بر علیه متعهد ورقه تجاری گردید، آیا در این مورد نیز مرور زمان پنج‌ساله، از تاریخ صدور حکم که آخرین تعقیب قضائی خواهان نیز محسوب می‌شود، مجدداً شروع خواهد شد یا نه؟ قانون تجارت مصر صریحاً مواردی را که دعوی منجر به صدور حکم محکومیت شده باشد، از حکم کلی استثناء نموده است، ولی باید دید با سکوت قانون‌گذاران ایران چه راه‌حلی عاقلانه‌تر به نظر می‌رسد؟» (صفایی، ۱۳۸۲، ۶۳). به نظر می‌رسد که پس از صدور حکم محکومیت متعهد ورقه تجاری، دعوی دارنده مشمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت نخواهد بود. دوم) در صورتی که دعوی دارنده منجر به صدور حکم غیابی بر علیه متعهد شود و پس از قطعیت حکم غیابی نیز

مدعی درخواست صدور اجرائیه ننماید، بر طبق ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی، پس از شش ماه از تاریخ صدور حکم مزبور ملغی‌الاثراً است.

۵-۴-۲. اقرار به دین

«راجع به اثر اقرار دو عقیده متضاد وجود دارد. بعضی عقیده دارند که اثر اقرار مربوط به سند قضائی است که قبلاً تنظیم، و عده دیگری بالعکس اقرار را سند قضائی جدیدی می‌دانند که قائم‌مقام اسناد قبلی می‌گردد. ماده ۴۱۸ قانون تجارت از عقیده دوم پیروی کرده و برای اقرار اثر خاصی قائل شده و به جای آنکه مرور زمان را قطع شده بداند، صریحاً مقرر داشته که مدت از نوع شروع خواهد شد. حال باید دید چه نوع اقراری می‌تواند سرور زمان را قطع کند» (شمس، ۱۳۸۳، ج ۳، ۹۵).

ماده ۴۱۸ با این عبارت که «مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد». «صفت رسمیت را برای اقرار قید نموده و معلوم نیست که مقصود قانون‌گذار از این قید چیست و آیا مقصود این است که اقرار باید صریح در موضوع و مبهم نباشد؟ به موجب شق ۲ از ماده ۷۶۱ قانون آئین دادرسی مدنی، اقرار مدیون در دادگاه و یا در سندی که به امضاء اوست برای قطع مرور زمان کافی می‌باشد و یا توجه به اینکه بر طبق قانون مدنی اقرار شفاهی خارج از دادگاه را نمی‌توان به وسیله شهادت شهود اثبات نمود، شاید بتوان ادعا کرد که مقصود ماده از قید کلمه رسمی طرد اقرار شفاهی خارج از دادگاه نیست به یکی از امضاء کنندگان قطع می‌شود. آیا این قطع در مورد سایر متعهدین که با یکدیگر مسئولیت تضامنی دارند نیز مؤثر است یا نه؟» (زند، ۱۳۹۲، ۹۲). بعضی از حقوق‌دانان مصری معتقدند، «در موردی که چند نفر متضامناً مسئول پرداخت

دینی هستند. قطع مرور زمان و لو که فقط نسبت به یکی از آنان باشد. درباره دیگران نیز مؤثر است» (سنهوری، ۱۹۵۸، ج ۳، ۱۲۳). «در حقوق ایران مواد مزبور وجود ندارد و به دلائل زیر می‌توان گفت که عقیده مزبور در حقوق تجارت ایران قابل قبول نیست: اولاً) حقوق تجارت، قواعد خاصی دارد که حتی‌الامکان باید از مواد قانون تجارت استخراج شود و در قانون قبلی مسلماً و بدون تردید اگر دارنده برات از حقی که ماده ۲۸۶ برای او شناخته استفاده کرد و ظرف سه ماه برای مطالبه طلب خود بر علیه یکی از مسئولین اقامه دعوی نمود، این عمل موجب نمی‌شود که پس از سه ماه نیز نسبت به دیگران هم حق رجوع داشته باشد. بنابراین از روح ماده مزبور و ملاکی که برای قطع مرور زمان اسقاط حق در نظر گرفته چنین برمی‌آید که قطع مرور زمان نیز اگر نسبت به یکی از مدیونین انجام شده باشد. در مورد سایرین تأثیری ندارد» (ساسان نژاد، ۱۳۹۲، ۱۱۲). ثانیاً) «مطابق اصول کلی حقوقی، سرایت اثر عمل دارنده برات نسبت به تمام مسئولین دلیل خاص لازم دارد و نمی‌توان عملی را که در حق یکی از مسئولین مؤثر واقع شده، به دیگران نیز بدون دلیل تحمیل کرد. ولی این دلائل را از چند جهت می‌توان مورد تردید قرار داد: ۱- همان‌طور که گفته شد، مواردی که حق دارنده برات در مراجعه به ظهرویس‌ها ساقط می‌شود، از نظر حقوقی مانند مهلت استیناف و تمیز بوده با مرور زمان قابل قیاس نمی‌باشد و هیچ عاملی نمی‌تواند آن را قطع کند. بنابراین بحث در این مورد که آیا قطع مرور زمان مطلق است یا نسبی بی‌مورد می‌باشد. ۲- با صراحت ماده ۵۹۳ قانون تجارت که مقرر می‌دارد در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آن‌ها را دارد

۵-۵. تعلیق مرور زمان

گاهی مرور زمان در طول گذر زمان، به موانعی برمی‌خورد که موجب تعلیق مرور زمان خواهد شد. اصولاً آنچه این علت را پدید می‌آورد، قوه قاهره و حالاتی چون حجر صاحب حق اصلی است، هرچند تعلیق مرور زمان به این موارد محصور نیست. گاهی در طول مدت مرور زمان، مانعی بزرگ‌تر پدید می‌آید که به طور کل، مرور زمان را منقطع می‌کند. البته در ماده ۳۱۸ قانون تجارت موردی برای تعلیق مرور زمان پنج‌ساله پیش‌بینی نشده است. در حقوق مصر نیز قانون‌گذار اختیار دادگاه و قدرت اشخاص را برای دخالت در اجرا یا تعدیل مرور زمان، محدود کرده است. اصل این است که توافق برای تغییر مدت مرور زمان جایز نیست، همچنان که قاضی نمی‌تواند مرور زمان را اعمال کند مگر هنگامی که شخص ذی‌نفع بدان استناد کند. طبق ماده ۳۸۸ قانون مدنی: «(۱) قبل از استقرار حق شخص نسبت به مرور زمان، اعراض از آن جایز نیست، همچنان که توافق بر سر تعیین مدت مرور زمان به غیر از آنچه قانون معین کرده است، مجاز نیست؛ (۲) هر کس که حق تصرف در حقوق خود را دارد می‌تواند ولو به‌طور ضمنی از مرور زمان بعد از آن که حقیقت نسبت به آن استقرار یافت، اعراض کند، اما این اعراض اگر به قصد اضرار به طلبکاران صورت گیرد، در حق آن‌ها نافذ نیست و برابر ماده ۳۸۷ قانون مدنی: «(۱) دادگاه نمی‌تواند در صدور رأی خود به مرور زمان استناد کند بلکه استناد بدان باید از سوی مدیون با طلبکاران او یا هر ذی‌نفع دیگر - اگر چه مدیون خود بدان استناد نکرده باشد صورت گیرد؛ (۲) دعوا در هر مرحله‌ای باشد ولو نزد دادگاه استیناف، می‌تواند به مرور زمان استناد کرد». حقوقدانان مصری

قاطع مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست و با توجه به اینکه خصوصیتی در معاملات مصرح در ماده ۵۹۲ برای این حکم وجود ندارد، تصور نمی‌شود دادرس دادگاه بتواند قطع مرور زمان را نسبی بداند آیا مرور زمان بیش از یک بار نیز قابل انقطاع است؟ در ماده ۳۱۸ قانون تجارت دو عامل برای قطع مرور زمان معین شده است، و باید دید که آیا دو عامل مزبور و لو که متعاقب یکدیگر هم باشند می‌توانند مرور زمان را قطع کنند یا نه؟ در این موضوع حکمی در قانون تجارت وجود ندارد و پیش‌بینی نشده که مثلاً اگر دعوی در دادگاه اقامه شود و ضمن جریان دعوی، مدیون اقرار بدین نماید آیا تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ اقامه دعوی است یا تاریخ اقرار؟ به‌موجب ماده ۷۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی «مرور زمان بیش از یک‌دفعه منقطع نمی‌گردد» (زندی، ۱۳۹۲، ۹۳). بنابراین ممکن استدلال شود که تاریخ مرور زمان در مثال فوق تاریخ اقامه دعوی است و شاید این استدلال با منظور قانون‌گذار نیز توافق بیشتری داشته باشد، ولی، با توجه به سیاق عبارت ماده ۳۱۸ که مقرر می‌دارد: «دعاوی راجع به برات، فته‌طلب، چک پس از انقضاء پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود، مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است...» و در نظر گرفتن جهات اختلافی که حکم ماده ۳۱۸ با سایر موارد انقطاع مرور زمان دارد، به نظر مشکل می‌رسد که دادرس دادگاه بتواند به استناد ماده ۷۶۵ تاریخ شروع مرور زمان را از تاریخ تقدیم دادخواست بداند.

عقیده دارند که «مرور زمان پنج‌ساله نسبت به هرکس و حتی نسبت به صغیر و مجنون نیز جاری می‌شود و حتی قوه قاهره نیز قادر به تعلیق این مرور زمان نیست حقوقدانان مزبور می‌گویند چون در قانون برای فورس ماژور قاعده استثنائی وضع نشده و به‌اضافه مرور زمان پنج‌ساله جزء مرور زمان‌های کوتاه و بر طبق قانون مدنی بر علیه صغیر و مجنون نیز قابل جریان است» (شفیق، ۱۹۵۴، ۶۴). لذا مرور زمان برات و فته طلب و چک قابل تعلیق نمی‌باشد. گرچه در حقوق ایران نیز ممکن استدلال شود که مرور زمان پنج‌ساله مندرج در ماده ۳۱۸ تابع قواعد کلی نبوده و تعلیق نمی‌شود، ولی به نظر می‌رسد که چون حکم استثنائی در قانون تجارت وجود ندارد و موضوعات تجاری در صورت نبودن نص صریح مخالف، تابع قانون مدنی می‌باشد. اما مرور زمان پنج‌ساله نیز تابع مواد ۷۵۱ الی ۷۵۸ قانون دادرسی مدنی باشد.

از توضیحات گذشته معلوم شد که «مدعی در ماده ۳۱۸ قانون تجارت، عبارت است از دارنده برات و قائم‌مقام او، یعنی کسی که پول را به او پرداخته است. ولی در مورد تشخیص مدعی علیه ممکن است مسئله دچار اشکال شود. قبلاً باید توجه داشت که ظهرونی‌ها به‌موجب قانون نمی‌توانند در مقابل دارنده اصلی برات مدعی علیه باشند و ماده ۳۱۸ اساساً نظارتی به دعوای مزبور ندارد، زیرا به‌موجب ماده ۳۱۸ دارنده برات اگر بخواهد از حق خود در مورد مسئولیت تضامنی ظهرونی‌ها استفاده کنند (صیادی، ۱۴۰۱، ۵۶). باید ظرف سه ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید و بر طبق ماده ۲۸۶ پس از انقضای مهلت مزبور دعوی دارنده برات بر ظهرونی‌ها پذیرفته نخواهد شد. بنابراین مسئولیت ظهرونی‌ها که در حقیقت فقط ضامن

پرداخت وجه ورقه تجاری هستند، بر طبق قانون تجارت سه ماه محدود گردیده و بعد از آن اقامه دعوی بر علیه ایشان مجوزی ندارد، و از برات نیز استفاده بالا جهتی ننموده‌اند که از این لحاظ مورد مواخذه قرار گیرند. به همین ترتیب در مقابل ظهرونی‌ها ماقبل نیز، در صورتی ظهرونی‌ها می‌توانند مدعی علیه باشند که از تاریخ ابلاغ احضاریه به محکمه به او بیش از سه ماه نگذشته باشد شد» (دالوند، ۱۳۸۶، ۲۹). «مسئله مورد ابهام این است که اگر محل در نزد محال علیه توسط صادرکننده آماده باشد، و مع‌ذلک محال علیه بدون جهت آن را قبولی ننویسد، آیا دارنده برات می‌تواند وجه برات را از او مطالبه نماید یا نه؟ به‌موجب قانون تجارت مصر، پس از امضاء برات محل آن به دارنده منتقل می‌شود و بنابراین صدور برات به‌منزله انتقال طلب است و رضایت محال علیه تأثیری در این انتقال ندارد قبل از تصویب قانون مزبور نیز رویه قضائی به همین ترتیب قضیه را حل می‌کرده است. در قانون بلژیک نیز انتقال محل تصریح شده، ولی قوانین بعضی از کشورها از جمله آلمان، اسکاندیناوی و ایران در این موضوع ساکت است و حل مسئله نظری می‌باشد» (سنه‌وری، ۱۹۵۸، ج ۳، ۱۲۷).

«اگر صادرکننده برات مدیون به محتال باشد. چون از لحاظ حقوق مادی در جایی که متن مخالفی نباشد برات تابع قانون مدنی و مبحث حواله است، و برای انتقال طلب و تحقق حواله بر طبق ماده ۷۲۵ قانون مدنی قبول محال علیه نیز شرط است، لذا دارنده برات مسلماً نمی‌تواند قبل از قبولی محال علیه به او مراجعه کند؛ اما اگر صادرکننده به محتال مدیون نباشد، بر طبق ماده ۷۲۶ قانون مدنی احکام حواله در قرارداد مزبور

جاری نخواهد بود. بنابراین ممکن استدلال شود که صدور برات انتقال طلب ساده‌ای است که بر طبق شق ۳ از ماده ۲۹۲ قانون مدنی احتیاجی به رضایت مدیون ندارد و دارنده می‌تواند راساً برای وصول طلبی که به او منتقل شده به محال‌علیه مراجعه کنند. استدلال مزبور با قاعده، که از مجموع مقررات مربوط به برات که فقط قبول کننده را ملزم به پرداخت وجه آن می‌نماید منافات دارد (داراب پور، ۱۳۸۷، ۲۲۱). مخصوصاً از مفهوم مخالف ماده ۲۳۰ که مقرر می‌دارد: «قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید». می‌توان نتیجه گرفت که محال‌علیه قبل از قبولی تعهدی در پرداخت برات ندارد و چون در صورت مغایرت، مقررات قانون تجارت بر قانون مدنی رجحان دارد؛ لذا به نظر می‌رسد که دارنده برات قبل از قبولی در این مورد نیز حق مراجعه به محال‌علیه را ندارد.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد که در حقوق مدنی، مصرف مرور زنان تا ۱۵ سال پذیرفته شده اما در این قاعده کلی استثنائاتی مانند اسناد تجاری دارد و بر اساس قانون تجارت این کشور، مرور زمان اسناد تجاری ۵ سال است. در حقوق ایران نیز، مرور زمان پنج‌ساله در خصوص اسناد تجاری پذیرفته شده است. به صورت کلی تعریفی که می‌توان از مرور زمان اسناد تجاری خاص عبارت از مهلتی است که پس از گذشت آن دعوای تجاری طلبکار (دارنده سند تجاری) علیه بدهکار (هر یک از مسئولان سند) در محاکم پذیرفته نمی‌شود. علت پیش‌بینی مرور زمان در مقررات نیز استحکام مالکیت، ایجاد اعتماد در میان تجار و افزایش سرعت در مبادلات تجاری است و با توجه به دو هدف راهبردی حقوق تجارت، یعنی ایجاد اعتماد

و سرعت در روابط تجاری و اقتصادی، برخی از این عوامل در حقوق تجارت اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند. در رابطه با مرور زمان اسناد تجاری در قانون تجارت مقررات مشخصی وجود دارد. بدین شرح که وفق ماده ۳۱۸ قانون تجارت، دعوای راجعه به برات و سفته طلب و چک که از طرف تاجر یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر این‌که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود. در نتیجه نکته قابل استنباط از این مقرر آن است که مهلت مرور زمان اسناد تجاری ۵ سال است.

۷. سهم نویسندگان

تمامی نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش شرکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- پوررحیمی صیقلانی، شبنم، دعوای تجاری و تاثیر مرور زمان در آنها، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران، ۱۳۹۹.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
 - حمید، کامل، مرور زمان در دعاوی تجاری، چاپ اول، کتابکده آرشید، ۱۳۹۹.
 - داراب پور، مهرباب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
 - دالوند، فضل اله، تقسیم مسئولیت مدنی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دادیار اصفهان، ۱۳۸۶.
 - زندی، محمدرضا، اسناد تجاری (رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور مدنی)، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل/ جاودانه، ۱۳۹۲.
 - ساسان نژاد، امیر هوشنگ، مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۹۲.
 - ستوده تهرانی، سید حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
 - شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۳.
 - صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
 - صقری، محمد، حقوق بازرگانی اسناد، چاپ سوم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴.
 - صیادی، مهدی، کتاب مرور زمان در اسناد تجاری - اسناد در وجه حامل - دلالی، چاپ اول، تهران، انتشارات کمک آزمون عدالت گستر جم، ۱۴۰۱.
 - عرفانی، توفیق، اعسار در رویه قضایی (کاربردی و عملی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل/ جاودانه، ۱۳۸۸.
 - عسکری، سامان؛ زرجان، رضا، مرور زمان در قانون تجارت، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۴۰۱.
 - قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بهار، ۱۳۸۷.
- منابع عربی**
- سنهوری، عبدالرزاق (۱۹۵۸)، الوسیط فی الشرح القانون المدنی الجدید، جلد سوم، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۸.
 - شفیق، محسن، القانون التجاری المصری، چاپ چهاردهم، القاهرة، دارالمعارف اسکندریه، ۱۹۵۴.
 - عالیه، سمیر، اصول القانون التجاری، الطبعة الثانية، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۶.
 - الیوسفی، هات محی الدین، الاثر المانع لاتفاق التحکیم و مدى تأثیره علی الاختصاص القضائی، سنکدریه، دارالفکر الجامعی، چاپ اول، ۲۰۱۴.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی